انجمن‌های زنان

انجمن‌های زنان در مشروطه، اولین تجربه‌های همراهی گروهی

■ فرناز سیفی ■

انقلاب مشروطیت تنها از این جهت با اهمیت نیست که آغازی بر پایان شیوه‌های حکومتی خودکامه بود؛ جنبش مشروطه‌خواهی نقطه عطفی در تحول فکری و فرهنگی زنان ایرانی و حضور چشمگیر آنها در عرصه اجتماع و مبارزه بود. زنان در این برهه تاریخی خاص، رفته رفته با جسارت قدم بر عرصه‌های اجتماع گذاشتند و در کنار اقداماتی چون تاسیس اولین نشریات زنان، شرکت در تظاهرات و گردهمایی‌ها و تاسیس اولین مدارس دخترانه، با درک ضرورت کار جمعی اولین انجمن‌های زنانه را نیز بنیان نهادند.

یکی از اولین انجمن‌های زنانه‌ای که در تاریخ ثبت شده است، «اتحادیه غیبی نسوان» بود که سازمانی مخفی محسوب می‌شد و گرایش‌های تند انقلابی داشت. این انجمن خود را سخنگوی قشر تهیدست جامعه می‌دانست و همواره با وکلای مجلس درگیر بود و انتقادهای تند و تیزی بر مجلس و روند تشکیل آن داشت.

«انجمن مخدرات وطن» گروه زنانه دیگری بود که از دل جلسه‌های فرهنگی تعدادی از زنان ترقی خواه و به همت بی‌بی خانم استرآبادی سر بر آورده بود. اعضای این انجمن همه زنان و دختران فعالان سیاسی، اعیان و اشراف و روحانیون بودند و هدف اصلی آنها همانطور که در بیانیه اعلام موجودیت این سازمان ذکر شده است ساماندهی فعالیت‌های خیریه، تحریم کالاهای خارجی و توزیع منسوجات وطنی بود یکی از اقدامات «انجمن مخدرات وطن» که انعکاس گسترده‌ای داشت، مقابله با اولتیماتوم دولت روسیه برای اخراج مورگان شوستر آمریکایی از ایران و درخواست دولت روسیه مبنی بر این بود که دولت ایران باید هزینه لشکرکشی روسیه به ایران را پرداخت کند. انجمن مخدرات وطن ضمن شرکت فعال در تظاهرات مردم تهران، با انتشار فراخوانی خطاب به عموم زنان ایرانی از آنها دعوت به مقاومت و ایستادگی در برابر این اولتیماتوم کرد.

در دوران مشروطیت، شاهد حضور انجمن‌های نیز هستیم که اعضای هیات مدیره آنها زنانند، اما مردان نیز به عضویت آن پذیرفته می‌شوند. «انجمن آزادی زنان»، یکی از اولین انجمن‌هایی که پس از تصویب قانون اساسی تشکیل شد شناخته شده‌ترین این دسته از انجمن‌ها است. جلسات مخفی این انجمن در باغی خارج تهران برگزار می‌گردید و سخنرانان جمع تنها زنان عضو بودند. دو تن از دختران نامدار این شاه یعنی «تاج السلطنه» و «افتخارالسلطنه» نیز از اعضای این انجمن بودند. تعدادی از معروف‌ترین و تاثیرگذارترین زنان مبارز ایرانی چون «صدیقه دولت آبادی» و «شمس الملوک جواهرکلام» نیز در این انجمن که اکثر اعضای آن سوسیالیست بودند عضویت داشتند. این انجمن مشی سیاسی داشته و در حقیقت یک مرکز آموزشی نیز محسوب می‌شد.

در پی تاجگذاری احمدشاه، فضای فعالیت‌های احزاب و گروه‌ها و نشریات نیز بازتر شد. در پی ایجاد چنین فضایی بود که عده‌ای از مدیران و معلمان مدارس دخترانه تهران به دور هم جمع شده و تصمیم گرفتند انجمنی زنانه را راه اندازی کنند. بانی این امر خانم نورالدجی مفتشه کل مدارس دخترانه تهران بود که از روش مردان در اداره امور کشور انتقاد داشت و اعتقاد داشت که این روش موجب شده است که اسیل بدبختی پشت در خانه‌ها بیاید. حاضران در جلسه هیات موسسان نام «انجمن همت خواتین» را برای تشکل خود برگزیدند و همچون اکثر انجمن‌های هم عصر خود مهم‌ترین هدف خود را مبارزه با منسوجات خارجی و ترویج پارچه‌های وطنی قرار دادند. این انجمن در تقویت احساسات ناسیونالیستی میان زنان و مردان ایرانی تا حدی موثر بود؛ اعضای این انجمن معتقد بودند که ایرانی میهن پرست به خود اجازه نمی‌دهد سرمایه ملی را به مصرف کالای خارجی برساند و اقتصاد کشور را متزلزل سازد. گروهی از زنانی که عضو این انجمن بودند در تداوم فعالیت‌های خود جهت ترویج منسوجات وطنی دست به تاسیس کارگاه‌های پارچه بافی زدند؛ برای مثال صدیقه دولت آبادی «شرکت خواتین اصفهان» را به صورت تعاونی تاسیس کرد که کارگاه‌هایی در اصفهان، یزد و کرمان داشت و در مجموع هفتاد زن در این کارگاه‌ها مشغول به کار بودند.

«انجمن نسوان وطنخواه ایران» نیز یکی از فعال‌ترین انجمن‌های زنان آن دوران بود. در بهمن ماه ۱۳۰۱، محترم اسکندری مدیر دبستان دخترانه شماره ۳۵ دولتی که از پیشگامان جنبش زنان و مبارزان مشروطه خواهی به شمار می‌رفت، از جمعی از زنان روشن اندیش زمان دعوت کرد تا دست به کار تاسیس انجمنی زنانه شوند. در همین جلسه بود که «انجمن نسوان وطنخواه ایران» تشکیل شد؛ تفاوت عمده‌ای که این انجمن با سایر انجمن‌های زنان داشت سابقه سیاسی اعضای هیات مدیره آن بود که همه عضو احزاب چپ بودند و با شیوه کار حزبی کاملا آشنا بودند. انجمن نسوان وطنخواه در مقایسه با سایر انجمن‌های هم عصر خود تکیه بیشتری بر مسائل خاص زنان داشت. انجمن مزبور برای زنان کلاس‌های سواد آموزی نیز دایر کرده بود و از افرادی که مدافع دفاع از وطن در هنگام وقوع جنگ بودند نیز حمایت مالی و معنوی به عمل می‌آورد. آنها تنها این انجمن را در تاریخ ماندگار کرد، اقدام نمادین و جسورانه اعضای این انجمن در سوزاندن نسخه‌هایی از کتابچه «مکر زنان» در میدان توپخانه تهران بود؛ در پی این عمل بی سابقه تعدادی از اعضا از جمله محترم اسکندری به نظمیه فراخوانده شدند و او در دفاع از خود ابراز کرد که این کار دفاع از خواهران و مادران شما و همه زنان بود که مثل تمام انسان‌ها عقل دارند و مکار نیستند.

در بررسی انجمن‌های زنان در عصر مشروطه نباید این نکته را از نظر دور داشت که این انجمن‌ها سازمانی‌هایی فمینیستی نبودند و هدف اصلی همه آنها مبارزه با استعمار و استبداد حاکم بر کشور بود. اما مشروطیت فرصت مناسبی بود تا استعدادهای ذاتی و نادیده گرفته شده زنان مجال بروز پیدا کند و پوسته باورهای نادرستی که حضور زنان را تحمل نمی‌کردند شکافته شود. زنان عصر مشروطیت نشان دادند که حتی با میدان عملی محدود، به خوبی می‌دانند که چگونه برای ارتقای وضعیت خود و جامعه قدم‌های موثر بردارند.

حق‌خواهی زنان مشروطه، تلاشی که به ثمر نرسید

■ مریم حسین‌خواه ■

«ما را از پنج سالگی به مکتب می‌گذاشتند آن هم نه همه دختران را بلکه ندرتا. نه ساله که می شدیم از مکتب بیرونمان می آوردند. اگر کتاب می توانستیم بخوانیم یا خط می توانستیم بنویسیم پدران عزیزمان با کمال تغیر کتاب و قلم را از دستمان گرفته شکسته به دور می انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد مگر می خواهید منشی بشوید. همین قدر که بتوانید قرآن بخوانید کافی است. این بود شرح حال ما دختران تا زمانی که شوهرمان می دادند. اگر متشخص بودیم که باید چند خدمتگزار از برای ما معین کنند که ما زحمت خدمت کردن نکشیم و فرمایش بدهیم. اگر رعیت بودیم باید غیر از خانه داری و بچه داری کار دیگری نکنیم. اگر شوهرمان یک شب قوه نداشت پنج سیر نان برای ما تعیش کند ما زن ها عرضه اینکه بتوانیم خرج یک شب را به راه کنیم نداشتیم. ما زن های ایرانی غیر از زایدن چیز دیگری بلد نبودیم. شما پدران ما بودید که ما را این طور پروردید و گر نه ما هم چون عموم طلایق دارای هوش و ذکاوت بودیم فرقی که داشتیم ما زن بودیم شما مرد».

این چند خط که با عنوان مکتوبات یکی از مخدرات در شماره ۱۲ روزنامه تمدن به چاپ رسیده، شاید بهترین توصیف از وضعیت زنان در دوران مشروطه باشد.

وضعیت زنانی که اجازه تحصیل نداشتند سرنوشت محتوم آنان ازدواج در سنین بسیار پایین و تسلیم در برابر مردان خانواده و شوهر بود و چندهمسری و تعدد زوجات و طلاق به خاطر ناباروری در میانشان رواج داشت.

در چنین شرایطی بود که با آغاز حرکت مشروطه خواهی، زنانی که تا پیش از این در خروج از خانه نیز با محدودیت روبرو بودند، با بازشدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور، به خیابان ها آمدند و به جمع مشروطه خواهان پیوستند.

زنان البته پیش از آن نیز در حرکت‌هایی همچون تنباکو و شورش برای قحطی نان در سال ۱۲۷۷ اولین حضورهای موفقیت آمیز خود را تجربه کرده بودند. اما با شروع حرکت‌های مشروطه خواهی جدی تر و پررنگ تر از قبل پا به میدان گذاشتند و از آوردن علما به مسجد برای سخنرانی و حفظ جان گرفته تا تحصن و شرکت در جبهه‌های نبرد، با مردان همراه بودند.

چنانکه به هنگام محاصره یازده ماهه تبریز، زنان این شهر اغلب کارهای پشت جبهه را برعهده داشتند، برای مجاهدان غذا می پختند، لباس می دوختند، جوراب می بافتند. پوکه‌های خالی فشنگ را پرمی کردند. از سنگری به سنگر دیگر خبر و غذا می رساندند. شب نامه پخش می کردند. پرستاری و مداوای زخمیان را بر عهده داشتند. با فروختن جهیزیه و زیور آلاتشان به مجاهدین کمک مالی می رساندند و حتی برخی از آنها با لباس مردانه می جنگیدند و کشته می شدند.

پس از پیروزی مشروطه نیز زنان همچنان در کنار مشروطه خواهان بودند.

هنگامی که قرار شد بر پای بانک ملی سرمایه تهیه شود، زنان بسیاری با فروختن زیور آلات و وسائل خانه‌شان مبلغ قابل توجهی برای کمک به بانک ملی جمع کردند و حکایت های فراوانی از زنانی نقل شده که همه پس انداز و ذخیره یک عمر خود را که گاه یک النگوی طلا و گاه ۵۰۰۰ تومان بود، به بانک ملی اهدا کردند.

در تحریم کالاهای وارداتی و ترویج منسوجات وطنی نیز زنان نقش قابل تاملی داشتند و با تشکیل انجمن و نوشتن مقالات در روزنامه‌ها سعی کردند زنان را به حمایت از محصولات داخلی تشویق کنند.

مهمترین تاثیر زنان آن دوران را اما شاید بتوان در اولتیماتوم روسیه و انفعال دولت-مردان آن زمان مشاهده کرد. روسیه در اثر اصلاحات شوستر اخراج او را از پارلمان ایران خواستار شد و آنها به مجلس شورای ملی اولتیماتوم دادند که اگر اخراج شوستر را نپذیرند به ایران حمله خواهند کرد و مجلس نیز در آستانه پذیرش اولتیماتوم روسیه بود. بعد از جلسی شدن این ماجرا، زنان فعال ایران در شهرهای اصفهان، قزوین و تبریز به سمت تهران حرکت کردند و موفق شدند که با بسیج ۵۰۰ نفر اعتصاب بزرگی را تدارک ببینند.

«انجمن مخدرات وطن» یکی از تدارک کنندگان این اعتراضات بود که علاوه بر شرکت فعال در تظاهرات، با انتشار فراخوانی خطاب به عموم زنان ایرانی، آنان را به مقاومت و ایستادگی در برابر اولتیماتوم فراخواند و عاقبت چنانچه مورگان شوستر روایت می کند: «سیصد نفر از زنان از خانه و حرمسرا خارج شدند، در صف های منظم، با اراده تزلزل ناپذیر در حالی که چادرهای سیاه بر سر و نقاب های مشبک سفید بر روی داشتند، به طرف مجلس رهسپار شدند. بسیاری از آنها در زیر لباس یا آستین طپانچه یا کاردو قمه پنهان کرده بودند و چند نفر با بیانات آتشین سخنرانی کردند و گفتند اگر وکلای مجلس در انجام فرایض خود و محافظت از شرف ملت ایران تردید کنند، ما مردان و فرزندان خود را کشته و اجسادشان را همین جا خواهیم افکند.»

با اینگونه اقدامات بود که زنان کم کم از پستوی خانه ها بیرون آمده و برای پیشبرد اهداف مشروطه دست به فعالیت زدند. این اقدامات اگرچه در جهت احقاق حقوق زن ایرانی نبود و بیشتر در راستای اهداف ملی و احساسات ناسیونالیستی آن زمان قرار می گرفت، اما شروعی بود برای ورود زنان به عرصه اجتماع که فعالیت هایی همچون تاسیس مدارس دخترانه، راه اندازی نشریات زنان و تشکیل انجمن های نسوان را در پی داشت.

در آن دوران زنان هنوز تصور مشخصی از خواست های مستقل خود نداشتند و گمان می کردند استقرار حکومتی ملی و مشروطه خواه، آزادی و احقاق حقوق همه مردم از جمله زنانی بود که با تشکیل انجمن‌های زنانه در راه بهبود وضعیت زنان تلاش می کردند. این تلاش ها حمایت مردان متنفذی از مشروطه خواهان را نیز همراه داشت. چنان که روزنامه نگاران و نویسندگان سرشناسی چون دهخدا، ایرج میرزا، صوراسرافیل در زمره حامیان بودند و مطالب مربوط به احقاق حقوق زنان را در روزنامه‌هایی چون صوراسرافیل، مساوات، حبل المتین و ایران نو منتشر می کردند.

روش هایی که زنان آن دوران در پیش گرفته بودند نیز بسیار متنوع بود و از تشکیل انجمن و مدارس دخترانه تا راه اندازی روزنامه و برپایی گردهمایی و تظاهرات را شامل می شد و گهگاه نیز که فعالان زن برای کمرنگ کردن تبعیض های موجود تلاش می کردند منتشر شد. با این وجود اما، بیشتر مطالب اولین نشریات زنان به موضوعاتی همچون خانه داری و شوهرداری اختصاص داشت و آگاه‌سازی و تربیت زن به عنوان مادر و همسر خط مشی اصلی این نشریات معرفی می شد. اما با گذشت زمان و ورود فعالان حقوق زنان به عرصه مطبوعات پرداختن به مباحثی همچون حقوق اجتماعی، حق رای و حتی مشارکت و اظهار نظر در مسائل سیاسی داخلی و بین المللی در نشریات زنان آغاز شد و با وجود موانعی همچون توقیف، فشارهای سیاسی و اجتماعی و مشکلات مالی برای اداره نشریه، مجلات زنانه یکی پس از دیگری منتشر شده و وضعیت و مطالبات زنان آن دوران را منعکس می کردند.

زنان ایرانی که از خلال فعالیت ها و تلاش های مشروطه خواهانه و ملی گرایانه نسبت به موقعیت فرودست شان آگاه شده و تلاش برای بهبود وضعیت شان را آغاز کرده بودند، اغلب از خانواده‌های طبقات متوسط و بالای شهری بودند که به نحوی امکان آموزش داشتند و زنان درباری همچون دو تن از دختران ناصرالدین شاه به نام های تاج السلطنه و افتخارالسلطنه، برخی شاهزاده‌های قاجار همچون محترم اسکندری و همسر رئیس شهربانی تهران نیز از جمله زنانی بودند که با تشکیل انجمن‌های زنانه در راه بهبود وضعیت زنان تلاش می کردند. این تلاش‌ها در ردیف دیوانگان و کودکان و محرومیت آنها از حق رای، زنان مشروطه خواهی که در این حرکت همراه مردانشان بودند تلاش برای بدست آوردن خواسته های خود را آغاز کردند و نخستین نطفه های جنبش زنان ایران را شکل دادند. جنبشی که با اهدافی ملی و عدالتخواهانه آغاز شد و با راه اندازی مدارس دخترانه و انجمن های زنانه حمایت شد.

اولین روزنامه های زنان همزمان با راه اندازی نخستین انجمن ها و مدارس زنان و در دوره ای که فعالان زن برای کمرنگ کردن تبعیض های موجود تلاش می کردند منتشر شد. با این وجود اما، بیشتر مطالب اولین نشریات زنان به موضوعاتی همچون خانه داری و شوهرداری اختصاص داشت و آگاه‌سازی و تربیت زن به عنوان مادر و همسر خط مشی اصلی این نشریات معرفی می شد. اما با گذشت زمان و ورود فعالان حقوق زنان به عرصه مطبوعات پرداختن به مباحثی همچون حقوق اجتماعی، حق رای و حتی مشارکت و اظهار نظر در مسائل سیاسی داخلی و بین المللی در نشریات زنان آغاز شد و با وجود موانعی همچون توقیف، فشارهای سیاسی و اجتماعی و مشکلات مالی برای اداره نشریه، مجلات زنانه یکی پس از دیگری منتشر شده و وضعیت و مطالبات زنان آن دوران را منعکس می کردند.

زنان ایرانی که از خلال فعالیت ها و تلاش های

مدارس دخترانه تا راه اندازی روزنامه و برپایی گردهمایی و تظاهرات را شامل می شد و گهگاه نیز که فعالان زن برای کمرنگ کردن تبعیض های موجود تلاش می کردند منتشر شد. با این وجود اما، بیشتر مطالب اولین نشریات زنان به موضوعاتی همچون خانه داری و شوهرداری اختصاص داشت و آگاه‌سازی و تربیت زن به عنوان مادر و همسر خط مشی اصلی این نشریات معرفی می شد. اما با گذشت زمان و ورود فعالان حقوق زنان به عرصه مطبوعات پرداختن به مباحثی همچون حقوق اجتماعی، حق رای و حتی مشارکت و اظهار نظر در مسائل سیاسی داخلی و بین المللی در نشریات زنان آغاز شد و با وجود موانعی همچون توقیف، فشارهای سیاسی و اجتماعی و مشکلات مالی برای اداره نشریه، مجلات زنانه یکی پس از دیگری منتشر شده و وضعیت و مطالبات زنان آن دوران را منعکس می کردند.

زنان ایرانی که از خلال فعالیت ها و تلاش های

یک تجربه

مشروطه
فرصتی برای سواد آموزی زنان

■ مریم طاهری ■

حالا درس خواندن زن‌ها آنقدر طبیعی و معمول شده که بیش از ۶۰ درصد پذیرفته شدگان دانشگاه‌ها، دختران هستند و درصد باسوادی زنان و مردان تقریبا به هم برابری می کند. این پیشرفت اما به همین راحتی‌ها به دست نیامده است. صد سال پیش، در دوران مشروطه، مادربزرگ‌های ما با مایه گذاشتن از جان و مال و آبرویشان توانستند اولین مدارس دخترانه را تاسیس کنند و مردان -حتی مردان آزادی خواهی که مشروطه را به ثمر رسانده بودند- را قانع کنند که زن هم باید درس بخواند و سواد یاد بگیرد.

وقتی طوبی رشدیه در سال ۱۳۲۵ ه.ق مدرسه دخترانه «پرورش» را در خانه مسکونی خودش راه‌اندازی کرد، مدرسه ۱۷ نفره‌اش سه روز بیشتر دوام نیاورد و در روز چهارم فراشان دولتی تابلوی مدرسه را پایین کشیدند.

«بی بی خانم استرآبادی» هم که در سال ۱۹۰۷ م. اولین مدرسه دخترانه را با نام «دوشیزگان» تاسیس کرد، از آزار و اذیت مخالفان در امان نبود و مخالفان آموزش زنان، آنقدر باشیوه‌های مختلف به آزار و اذیت معلمان و دانش آموزان مدرسه پرداختند و آنها را در خیابان مورد فحاشی و ضرب و شتم قرار دادند که مقامات وقت به بی بی خانم گفتند مدرسه را ببندد تا موجب آشوب در کشور نشود و بازگشایی مجدد آن را هم موکول به این کردند که از دختران بالای ۱۱ سال ثبت نام نشود. اولین زنان معلم ایرانی مجبور بودند از یک سو با دولت و مردم کوچه خیابان که فکرمی کردند «اگر زنان باسواد شوند، نامه‌های عاشقانه می نویسند»، مبارزه کنند و از سوی دیگر در خانه‌های خود، مردانشان را متقاعد به ضرورت سوادآموزی زنان کنند.

برخی مقامات سنتی نیز با واکنش هایی همچون: «مدارس دخترانه مخالف شرع اسلامی است.» و «وای به حال مملکتی که در آن مدرسه دخترانه تاسیس شود.» و هم ردیف قرار دادن این مدارس با «اشاعه فاحشه خانه ها و اباحه مسکرات» مردم را بر ضد راه‌اندازی مدارس دخترانه تحریک می کردند و تا آنجا پیش رفتند که می خواستند نخستین مدرسه دخترانه را ویران کنند.

این البته تمام ماجرا نبود و زنان فعال آن دوره که عزم خود را برای راه‌اندازی و گسترش مدارس دخترانه جزم کرده بودند، مجبور بودند در جبهه‌ای دیگر با مردان مشروطه خواهی که دوشادوش زنان حرکتشان را به ثمر رسانده بودند نیز کلنجار بروند.

گروهی از مشروطه خواهان همچون سنت گرایان به طور کلی با تاسیس مدارس دخترانه مخالف بودند و گروهی دیگر با این دیدگاه که مردان برای مصاحبت و همفکری نیاز به زنان باسواد دارند، از سواد آموزی زنان حمایت می کردند، اما اعتقاد داشتند که زنان فقط باید مسائلی درباره «تربیت اطفال و خانه داری و حفظ مراتب ناموس و شرف» را آموزش ببینند و «در امور خاصه رجال ازقبیل امور پلیتیکی و امور سیاسی فعلا مداخله ایشان اقتضا ندارد.» و تنها گروه محدودی از مشروطه خواهان به ویژه سوسیال دموکراتها بودند که محدودیتی برای آموزش دختران قائل نبودند و از آن حمایت می کردند. بااین وجود حتی مردان موافق سوادآموزی زنان نیز در بسیاری موافع از ترس تبدیل شدن مخالفت با دبستان، به یک بحران سیاسی در برابر مخالفان مدارس دخترانه سکوت می کردند و به عنوان نمونه وقتی بی بی خانم برای بازگشایی مجدد مدرسه اش از آنها کمک خواست، گفتند: «صلاح در این است که مدرسه تعطیل شود.»

زنان حامی سواد آموزی دختران اما در برابر همه این مخالفت ها و سکوت ها ایستادند و با انتشار مقاله در روزنامه‌ها، مشروطه خواهان را وادار به حمایت از راه‌اندازی و توسعه مدارس دخترانه کردند.

جماعتی از نسوان هم در مقاله‌ای که در روزنامه مساوات به چاپ رسید، نوشتند: «ای برادران که خون خود را ریخته تحصیل مشروطه نموده اید! آخر ما جماعت اناثیه مظلوم ایران مگر از نوع شما نبوده و در حقوق نوعیه با شما شریک و سهیم نیستیم؟ از شما انصاف می خواهیم تا کی باید ما از فرمان طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه خارج باشیم...» زنان به انتشار مقاله در روزنامه‌ها اکتفا نکردند و ارائه تقاضای مکتوب زنی از فعالان سیاسی که چهار سال پیش از توشیح فرمان مشروطیت توسط مظفر الدین شاه، خواستار حمایت رسمی مجلس از آموزش زنان و مشارکت اجتماعی ایشان شده بود، از دیگر فعالیت هایی است که در راستای تلاش برای سواد آموزی زنان از آن یاد شده است. در این نامه از دولت درخواست شده بود مدارس دختران را نیز مانند پسران مورد حمایت قرار بدهد و متذکر شده بود، ایران از آن رو در زمینه های اقتصادی و اجتماعی عقب مانده است که زنانش از تعلیم و تربیت بار مانده‌اند.

پاسخ مجلس به این نامه اما، چنین بود: «گرچه تغییراتی در کشور در شرف وقوع است، اما با این همه، ضرورت دارد که پایگاه سنتی زن و مرد همچنان بی هیچ تغییری حفظ شود.» سال ۱۲۸۶، یک سال پس از مشروطه، در همان تهرانی که در یک گردهمایی بزرگ قطعنامه ای را در دو بند تصویب کردند بدل اول حمایت تاسیس مدارس دخترانه بود و بند دوم با تاکید بر حذف جهیزیه سنگین دختران، پیشنهاد می کرد بهتر است پولی که صرف جهیزیه می شد، در راه آموزش دختران هزینه شود.

در میان البته تبلیغ حمایت برخی مردان آزاداندیش را نادیده گرفت که با حمایت های خود از این حرکت، اتهامات و تبلیغاتی را که علیه مدارس دخترانه به عمل می آمد خنثی کردند. به عنوان مثال در همان دورانی که برخی به خاطر تعصبات مذهبی مدارس دخترانه را خانه کفر می نامیدند، «آقا شیخ محمد حسین یزدی» از مجتهدان طراز اول آن دوره برای رفع هر گونه اشتباه در مورد تحصیل دختران همسر خود را تشویق کرد تا مدرسه دخترانه ای را در تهران تاسیس کند. مدرسه ای که در سال ۱۳۲۸ ه.ق از سوی «صفیه یزدی» تاسیس شد و «عفتیه» نام گرفت. روزنامه هایی همچون صور اسرافیل، ندای وطن و حبل المتین نیز همگام با زنان برای به رسمیت شناختن مدارس دخترانه مبارزه می کردند و ستون هایی را به موضوع آموزش زنان اختصاص داده بودند. همه این تلاش ها و مقاومت ها عاقبت به ثمر رسید و به گزارش روزنامه «شکوفه» (دومین روزنامه انحصاصی زنان) درسال ۱۲۹۲ شمسی یعنی هفت سال پس از انقلاب مشروطه در هزار و ۵۰۰ دانش آموز دختر در ۲۳ مدرسه، تنها در تهران مشغول به تحصیل بودند. در پی همین تلاش ها بود که اولین مدرسه دولتی دخترانه در سال ۱۲۹۷ تاسیس شد و دامنه آموزش دختران با تلاش های زنانی همچون «صدیقه دولت آبادی» و «روشنک داریوش» به شهرستان ها نیز کشانده شد و در سال ۱۳۱۲، پنجاه هزار دختر در ۸۷۰ مدرسه دخترانه مشغول به تحصیل بودند.

آگهی تاسیس شرکت داتیس سیستم آریا با مسئولیت محدود.
شرکت فوق در تاریخ ۱۳۸۵/۰۲/۲۷ تحت شماره ۲۷۱۳۴۱ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه تقاضانامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود.
۱- موضوع شرکت: نصب و تجهیز و راه‌اندازی و تامین قطعات و خدمات پس از فروش و تعمیر کلیه سیستمهای مخابراتی در صورت نیاز پس اخذ مجوزهای لازم و فعالیتهای کامپیوتری شامل سخت‌افزار و نرم افزار و شبکه و اطلاع‌رسانی و کلیه خدمات الکتریکی و الکترونیکی عقد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی اخذ وام و تسهیلات ریالی و ارزی از کلیه بانکها و موسسات اعتباری داخلی و خارجی اخذ و اعطای نمایندگی از کلیه شرکتها کارخانجات داخلی و خارجی خرید و فروش و تهیه و توزیع واردات و صادرات کلیه قطعات و تجهیزات مورد نیاز موضوع فعالیت و سایر اقلام مجاز بازرگانی ۲- مرکز اصلی شرکت: استان تهران شهرستان تهران مهرآباد جنوبی کوی فردوس ۱۰ متری دهقی پ ۱۲۴ ط ۳ ۳- سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۴- مدیران شرکت: ناهید انصاری به سمت عضو هیئت مدیره، امید انصاری به سمت عضو هیئت مدیره، امیر انصاری به سمت رئیس هیئت مدیره، نیر انصاری به سمت مدیرعامل برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند. ۵- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبل چک سفته بروات قراردادها عقود اسلامی با امضا مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۶۷۷۴۰ اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری

آگهی تاسیس موسسه مطالعات و توسعه دانش کیفیت.
موسسه فوق در تاریخ ۱۳۸۵/۰۲/۲۶ تحت شماره ۱۹۶۳ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه تقاضانامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود.
۱- موضوع موسسه: برگزاری کنفرانسها و سمینارها و ارائه هرگونه وسایل و لوازم کمک آموزشی همکاری با اشخاص حقیقی و حقوقی انجام خدمات پژوهشی و مطالعاتی انتشار نشریه ایجاد سایت ارائه خدمات مشاوره مدیریت و کیفیت مهندسی و تکنولوژی مجاز مورد نیاز سازمانها و شرکتها. ۲- مرکز اصلی موسسه: استان تهران شهرستان تهران خیابان فتحی شقاقی خ جهانمهر پلاک ۳۸ طبقه ۳ ۳- سرمایه موسسه: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۴- مدیران موسسه: آلهویردی تقوی به سمت عضو هیئت مدیره، حمیدرضا رضائی به سمت عضو هیئت مدیره، محمدرضا عاطفی به سمت عضو هیئت مدیره، عباس سقایی به سمت عضو هیئت مدیره، رسول انورالنسا به سمت رئیس هیئت مدیره، محمدرضا عاطفی به سمت مدیرعامل برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند. ۵- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبل چک سفته بروات قراردادها عقود اسلامی با امضای مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۶۷۷۵۹ اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری